

بوضع انتقال خون بیندیشیم

دکتر بلوهر آصفی *

اغلب مشاهده میشود که عده‌ای پزشک و جراح در تهران یا شهرستانها گردهم جمع میشوند و باقتضای وظایف حرفه‌ای و یا خدمات درمانی سرمایه‌گذاری کرده درمانگاه و یا بیمارستانی خصوصی بوجود می‌آورند و در این میان اشخاصی هم هستند که صرفاً با انگیزه منافع شخصی و تجارت و یا بچریان انداختن سرمایه‌های اضافی مراکز را بنام بیمارستان تأسیس و به وسایل و لوازم نوین پزشکی نیز مجهز مینمایند و باید گفت که برخی از این مؤسسات ظاهراً با پیشرفته‌ترین مراکز مشابه خود در ممالک مترقی دیگر برابری میکند.

زیبائی بنا و راحتی اتاقهای بیماران و وسایل و لوازم گران قیمت جراحی و رادیوگرافی و غیره و غیره - همه را انسان می‌بیند و بخود می‌بالد که امر پزشکی در کشور ما نیز پاپیای کشورهای مترقی دیگر پیش میرود ولی مطلبی را که نویسنده میخواهد در اینجا مطرح نماید اینست که متأسفانه غالب این بیمارستانها و مراکز درمانی بمهمترین پایه و اساس پزشکی که انتقال خون است توجهی نکرده و در سازمان دهی مؤسسات خود از این حیث پیش‌بینی‌های لازم بعمل نمی‌آورند و البته نتیجه این کار اینست که اگر بیماری در حین عمل جراحی احتیاج بخون پیدا بکند شیشه خونی را بالای سرش حاضر میکنند که در بسیاری موارد بمبلغ ناچیزی از افراد بیچاره و احیاناً بیمار خریداری و در محلی نامناسب که نام بانک خون بخود گرفته نگهداری شده است. مسلم است که این شیشه خون نه از لحاظ کنترل بیماریها و نه از نظر تست‌های ایمنولوژی بهیچ وجه اطمینان بخش نخواهد بود.

یادآور میگردد که تا این تاریخ سازمانهای ذیصلاحیت در بهبود و اصلاح اوضاع انتقال خون کشور اقدامات جدی بعمل نیاورده

* مرکز انتقال خون جمعیت شیروخورشید سرخ استان تهران

مجله علمی نظام پزشکی

شماره ۴، صفحه ۲۴۳، ۱۳۴۹

و در اثر عدم توجه با اهمیت موضوع، اکنون می‌بینیم که خون مانند کالائی تجارتنی بازار سیاه پیدا کرده و علاوه بر هرج و مرج موجود از نظر کنترل کیفیت امر و جنبه‌های پزشکی و آزمایشگاهی، از لحاظ اجتماعی و انسانی نیز بصورتی ناهنجار و ناپسندیده درآمدہ است. باید متذکر شد که متأسفانه نحوه تأمین خون مورد نیاز بیماران در ایران از روز اول بر اساس ناصحیح خرید آن از فقیرترین و احیاناً کم‌خون‌ترین افراد جامعه پایه‌گذاری شده است و طبقات مرفه جامعه که تغذیه بهتری داشته و براحتی میتوانند با مختصر گذشتی خون مورد نیاز بیماران کشور را تأمین نمایند، از احتیاج و درماندگی افراد بیکار و فقیر سوء استفاده نموده بهانه پرداخت مبلغی بسیار ناچیز، از شرکت در این امر ملی و اجتماعی شانه خالی میکنند.

معلوم است که در این شرایط هیچگونه کنترلی را نباید انتظار داشت و وقتی کنترل نباشد اغلب دهنده‌های خون بفاصله‌های بسیار کوتاه و بکرات در محل‌های مختلف خونشان را می‌فروشند بطوریکه برخلاف تمام موازین پزشکی و علمی، در میان این افراد کسانی هستند که مدتهای مدید فقط از راه فروش خون خود زندگی میکنند و حتی عده‌ای از آنها هر روز خون میدهند! و با کمال تأسف بعضی از خریداران خون باین مطالب کاری نداشته و تنها باین امر دل خوش دارند که مایع رنگینی بنام خون در شیشه کرده بقیمت گران در بیمارستانها و مراکز درمانی به بیماران و مجروحین بفروشند.

در اینجا لازم میدانم موضوع بسیار مهمی را یاد آور شود و آن اینست که چون عده دهنده‌های حرفه‌ای خون در تهران محدود بوده همیشه و در همه جا تقریباً همین عده معلوم و معدود هستند که خون خود را می‌فروشند و مراکز درمانی و بانک‌های خون از همه

انتقال خون و تدوین مقرراتی یکسان و یک نواخت جهت کنترل خدمات مربوط به خون و مشتقات آن .

۳- اجرای يك برنامه تبلیغاتی وسیع و مداوم بمنظور جلب داوطلبان اهداء خون از میان کلیه طبقات مردم .

۴- تنظیم و اجرای يك برنامه آموزشی جهت بالا بردن سطح آگاهی و دانش افرادی که در مراکز انتقال خون کشور انجام وظیفه مینمایند.

در هر يك از موارد فوق، طرح‌هایی با استفاده از نظرات دانشمندان فن تهیه گردیده که پس از تطبیق آنها با مقتضیات و امکانات موجود، بوسیله مجله علمی نظام پزشکی در معرض افکار همکاران ارجمند قرار خواهد گرفت تا با کمک نظام پزشکی و دیگر سازمان‌های پزشکی و بهداشتی مملکت و کلیه صاحب نظران، این امر بزرگ اجتماعی و علمی و درمانی تحت نظم و قاعده اساسی درآمده وضع نابسامان فعلی خاتمه یابد.

طرف خون آنها را میگیرند لذا اغلب این بیچارگان بوضع رقت‌انگیزی درآمده بزودی یا از بین خواهند رفت و یا در اثر شدت کم خونی هر کدام در يك گوشه خواهند افتاد و اگر هر چه زودتر چاره‌ای اندیشیده نشود، این منبع کاذب و غیر انسانی تأمین خون نیز از دست مؤسسات درمانی خارج خواهد شد و مخصوصاً با افزایش روز افزون احتیاجات بیماران از نظر خون و پلاسما و مشتقات مربوط، کاملاً اوضاع اسف بار آینده را میتوان حدس زد. اکنون چه باید کرد و چه راهی در پیش گرفت تا باین اوضاع نابسامان انتقال خون کشور سر و صورتی داد ؟ بنا بر تجربه و مطالعات قبلی بنظر میرسد پیشنهادات زیر قابل تأمل و بررسی باشد :

- ۱- تشکیل سازمان مرکزی واحد با شرکت کلیه مؤسساتی که بنحوی مؤثر میتوانند در امر انتقال خون سهمیم باشند . وظیفه این سازمان تنظیم و اجرای برنامه‌ای استاندارد در سطح مملکتی و نظارت و راهنمایی‌های کلی از نظر علمی و فنی خواهد بود .
- ۲- تجدید نظر در مقررات و نظامنامه‌های قانونی موجود در امر